

پژوهش در علوم ورزشی

سال ۱۳۸۴، شماره هفتم، صص ۱۳۰-۱۰۹

## بررسی و مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران، مربیان و سرپرستان تیم‌های ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور\*

دکتر مهدی طالب پور - علیرضا حسینی - هادی جباری - مهدی جباری

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد - دانشجوی دکترای تربیت‌بدنی - دانشجوی دکترای آمار -  
دانشجوی دکترای آمار

### چکیده

هدف: انسان همواره با چالش‌ها، موقعیت‌ها و شرایط مختلفی مواجه می‌شود که هر لحظه نیاز به تصمیم‌گیری به موقع و سنجیده دارد. لزوم مواجهه درست و اصولی با این مسائل برخورداری از تفکری خلاق و پویا است. یکی از روش‌های تفکر روش فلسفی آن است.

اسمیت از این نوع تفکر تحت عنوان ذهنیت فلسفی نام می‌برد. وی معتقد است ذهنیت فلسفی الگویی از تفکر با سه بُعد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری است. هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت ذهنیت فلسفی مدیران، مربیان و سرپرستان تیم‌های مختلف ورزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور است.

روش: روش تحقیق توصیفی و همبستگی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه معتبر و استاندارد ذهنیت فلسفی (PMQ) که دارای ۶۰ سؤال، گویه با مقیاس ارزش لیکرت است که توسط ایرج سلطانی (۱۳۷۵) تدوین و اجرا و توسط محمدعلی زکی (۱۳۷۷) مجدداً در چهار سازمان برای مدیران اجرا شده بود.

\* این پژوهش با استفاده از تسهیلات و اعتبارات پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی به انجام رسیده است. در فرایند تحقیق از همکاری کلیه مدیران، مربیان و سرپرستان دانشگاه‌های کشور صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

برای تعیین اعتبار این پرسشنامه از نظرات و پیشنهادات اساتید دانشگاهی و برای تعیین پایایی آن نیز از ضریب آلفای کرونباخ که برآورد گردید استفاده شد. جامعه مورد نظر این پژوهش تمام مدیران، مربیان، سرپرستان تیم‌های مختلف ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و با تخصیص متناسب حجم نمونه آماری ۲۵۰ نفر برآورد گردید. نرخ برگشتی پرسشنامه‌ها ۹۴٪ بود.

**یافته‌ها:** تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که مدیران، مربیان و سرپرستان از نظر ذهنیت فلسفی در حد متوسط قرار دارند. با این حال در مقایسه این سه گروه مشخص شد که مدیران از ذهن فلسفی بالاتری برخوردارند. از طرف دیگر در مقایسه ابعاد سه گانه ذهنیت فلسفی نمونه تحت بررسی در بُعد تعمق دارای میانگین بهتری نسبت به ابعاد دیگر ذهنیت فلسفی بودند.

**واژه‌های کلیدی:** مدیر، مربی و سرپرست ورزشی دانشگاه، ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری تفکر.

## مقدمه

در شرایط کنونی که انسان در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی با مسائل پیچیده روبه روست و هر لحظه نیازمند تصمیم‌گیری در شرایط ریسک و بحرانی است و نیازهای استراتژیک و آینده‌نگری‌های ضروری او را به اندیشه و فکر می‌خواند نیاز به تفکر و برخوردارهای عقلانی و خردمندانه امری حیاتی و ضروری است. خصوصاً نیاز به تفکر برای مدیران، معلمان، مربیان و دانش‌آموزان و برنامه‌ریزان امر تعلیم و تربیت از اولویتی ویژه برخوردار است. (۱)

نیکواقبال ضرورت نیاز به تفکر و عواقب خطرناک عدم برخورداری از آن را برای مدیران اینگونه توصیف می‌کند «هر انسان یا مدیری در جریانات روزمره زندگی با مشکلات و دشواری‌هایی روبه روست که برای آن محتاج به تفکر و تصمیم‌گیری است». مدیری که تفکر ننماید خطرناک است و هیچ مدیریتی را نمی‌توان یافت که بدون تفکر و تحلیل، تصمیم‌گیری صحیحی داشته باشد و موفقیت مستمری کسب نموده باشد. اگر

بخواییم واژه مدیریت را تعریف کنیم، بی تردید مدیر به کسی اطلاق می‌شود که از میان امکانات مختلف به انتخاب و اتخاذ تصمیم هدفمندانه بپردازد. (۲)

اسمیت و هولفیش رسالت مدرسه و آموزش و پرورش را آموزش فکر کردن دانسته و گفته‌اند اگر فراگیران در زمان اشتغال به تحصیل در مدرسه یا دانشگاه فکر کردن را نیاموزند چگونه می‌توانند به یادگیری ادامه دهند. (۳) اسمیت طرز تفکر را وسیله‌ای مناسب برای برخورد درست با مسائل تربیتی دانسته و می‌گوید «اطلاعات مربوط به روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در جنبه‌های مختلف تربیتی معلم برای مری مفید است اما آنچه در برخورد با مسائل تربیتی به او کمک می‌کند و او را قادر می‌سازد که اصول و قوانین روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی را در برخورد با این مسائل به کار بندد همان طرز تفکر اوست (۴). آیات، روایات و سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه گرامی اسلام بیانگر اهمیت خاصی است که اسلام برای تفکر قائل است. شهید مطهری در این باره می‌گوید، یکی از اصول تعلیمات قرآن کریم دعوت به فکر کردن و تدبیر کردن است. تفکر در مخلوقات خدا برای پی‌بردن به رازها و اسرار آفرینش، تفکر در احوال و اعمال خود برای درست انجام دادن وظیفه، تفکر در تاریخ و زندگانی مردمی که گذشته‌اند، برای شناختن و پی‌بردن به سنن و قوانینی که خداوند برای زندگانی جماعات بشری قرارداده است (۵). برای نمونه می‌توان به روایات زیر از ارباب تفکر اشاره نمود:

امام علی (ع): اندیشیدن و فکر کردن برینایی تو می‌افزاید و پندمایه‌ای برایت فراهم می‌کند.

امام صادق (ع): امیرالمؤمنین (ع) گفت: تفکر و اندیشیدن انسان را به نیکی و عمل کردن به آن فرا می‌خواند.

پیامبر (ص): ای اباذر دو رکعت (نماز) کوتاه که با تفکر و توجه گزارده شود بهتر از برپا ایستادن یک شب در حالی که قلب غافل باشد. (۶)

از سوی دیگر، از مسائل مهم و قابل بحث در باب تفکر، روش‌های تفکر است که این روش‌ها زیربنای نظریه‌ها، قضاوت‌ها، داوری‌ها، شناخت‌ها و جهان‌بینی‌ها و غیره قرار می‌گیرد و در تحلیل، تفسیر و تبیین مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و

تربیتی مورد استفاده واقع می‌شود. یکی از روش‌های تفکر روش فلسفی است که مورد بحث و نظر ماست. دکتر رضا داوری می‌گوید: فلسفه یکی از انحاء تفکر است. (۷)

جنبه مهمی از فلسفه با طرزفکر و نگرش فیلسوف و روح وی سروکار دارد. فیلسوف علاوه بر بررسی و انتقاد و تهیه آرا و عقاید فلسفی و به کار بردن روشی خاص در پژوهش‌های فلسفی، دارای طرز فکری خاص و روحی مشخص است. فیلسوف در برخورد با اشخاص و در مواجهه با مشکلات، در بحث‌ها، در انجام امور عادی و به طور کلی در تمام شئون زندگی خصوصياتی در رفتار خود ظاهر می‌سازد که باعث تمایز او از دیگران می‌شود.

ویژگی‌های عمده‌ای که فیلسوفان واقعی در رفتار خود ظاهر می‌سازند شامل تردید منطقی، کنجکاوی زیاد، فهم عمیق، دید وسیع، سعه صدر، ترقی طلبی، فروتنی، وحدت شخصیت، اتکای به نفس، طرفداری از ارزش‌های انسانی است (۸).

### ابعاد ذهنیت (روح) فلسفی

دکتر فیلیپ. ج. اسمیت در کتاب «ذهن فلسفی در جنبه اداری تربیتی» سه بُعد «جامعیت»، «تعمق» و «انعطاف‌پذیری» را مورد بحث قرار می‌دهد و برای هر یک از این ابعاد چهار ویژگی به شرح ذیل ذکر می‌کند (۹).

#### ۱. جامعیت

جامع را جمع‌کننده، گردآورنده و هرچیز تمام و کامل معنی کرده‌اند و آن ذهنیتی است که پدیده‌های جهان را در قالب یک ارگانسیم می‌بیند تمام عناصر آن را در ارتباط با یکدیگر و دارای وحدت و بهم پیوستگی تلقی می‌کند. جامعیت دارای ابعادی است که عبارت‌اند:

الف) نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه‌ای وسیع؛

ب) ارتباط دادن مسائل آنی و موجود به هدف‌های درازمدت؛

ج) به کار بردن قوه تعمیم؛

د) شکیبایی وسعه صدر در تفکرات عمیق نظری.

#### ۲. تعمق

تعمق چیزی را مورد مطالعه دقیق قرار دادن و پشت سر و یا کنه آن را دیدن است. تعمق دارای چهار ویژگی است:

- الف) زیرسؤال بردن آنچه بدیهی یا مسلم تلقی می‌شود؛
- ب) کشف و بیان امور اساسی، مسائل و فرض‌ها در هر موقعیت؛
- ج) کاربرد حساسیت نسبت به اشارات و امور مربوط به جنبه‌های اساسی در هر موقعیت؛
- د) مبتنی کردن انتظارات بر جریان فرضیه استنتاجی و قیاسی.

#### ۳. انعطاف پذیری

انعطاف‌پذیری از لحاظ لغوی به معنی دو‌تاشدن، خم شدن، کج شدن، برگشتن و بازگردیدن است. به عبارتی انعطاف پذیری یعنی قابلیت پذیرش منطقی روش‌ها و راه‌های جدیدی که در جهان تولید و کار و تکنولوژی پدید آمده است و دوری از مقاومت ناروا نسبت به این تغییرات. انعطاف‌پذیری دارای چهار ویژگی به شرح ذیل است:

- الف) رها ساختن خود از جمود روان‌شناختی (فکری)؛
- ب) ارزش‌سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آن؛
- ج) توجه به جهات مختلف مسائل و توسعه فرضیه‌ها، توضیح‌ها و دیدگاه‌ها؛
- د) پذیرفتن قضاوت موقتی و مشروط و علاقه (۷).

اصولاً هدف از تحقیق، بسط و گسترش دانش موجود و یا تولید دانش جدید است، بنابراین پژوهشگر برای دستیابی به این هدف باید از گستره دانش موجود آگاه باشد. نیل به این مقصود از طریق مطالعه منابع مربوط به مسئله مورد پژوهش امکان‌پذیر است. جان دیوئی معتقد است که انجام این مرحله از پژوهش به محقق کمک می‌کند تا بینش عمیقی در زمینه مورد مطالعه و حوزه‌ای که تحقیق به آن تعلق دارد کسب نماید. مطالعه منابع عبارت است از مطالعه کلیه منابع و مراجعی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم با موضوع تحقیق در ارتباط

است. با بررسی‌های گسترده‌ای که توسط تیم ۱۰ نفره تحقیقاتی این پروژه جمعاً به مدت حدود ۲۷۰۰ ساعت انجام شد به جرئت می‌توان گفت تاکنون در مورد ذهنیت فلسفی ورزشکاران چه در داخل و چه در خارج از کشور تحقیقی صورت نگرفته است؛ با این حال به جز چند مورد، بیشتر منابع را منابع دست دوم تشکیل می‌دهند. در داخل کشور چند مورد تحقیق در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری در ارتباط با ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی انجام شده است که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

در تحقیق خرقانیان (۱۳۷۲) در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی مدارس راهنمایی عادی پسرانه منطقه پنج آموزش و پرورش تهران با روحیه معلمان آنان»، نتایج تحقیق نشان داد: بین مدیران از لحاظ ذهنیت فلسفی تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که ۲۰٪ معلمان از ذهنیت فلسفی بالا، ۵۴٪ از ذهنیت فلسفی متوسط و حدود ۲۵٪ از ذهنیت فلسفی پایین برخوردارند. بین ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی با روحیه معلمان آن‌ها همبستگی مثبت وجود دارد، طوری که هر چه ذهنیت فلسفی مدیران بالاتر باشد روحیه معلمان نیز بالاتر است و بالعکس مدیرانی که از ذهنیت فلسفی بالایی برخوردارند دارای عملکرد بهتری از مدیران دارای ذهنیت فلسفی پایین هستند. فضای آموزشی مدارس مدیرانی که دارای ذهنیت فلسفی بالا هستند نسبت به مدارس که مدیرانشان دارای ذهنیت فلسفی پایین هستند از صمیمیت، تلاش، اعتماد، رضایت و خشنودی بیشتری برخوردار است. بازده آموزشی و پرورشی مدارس که از مدیران با ذهنیت فلسفی بالا برخوردارند به مراتب بیشتر و بهتر از مدارس است که مدیرانشان دارای ذهنیت فلسفی پایین هستند. سطح تحصیلات، میزان تجربه و آموزش‌های ضمن خدمت در بالا رفتن ذهنیت فلسفی مؤثر است (۱۰).

تحقیق دیگری توسط هاشمی (۱۳۷۴) در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی تأثیر ابعاد ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی بر انجام وظایف مدیریتی در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهرستان ممسنی» انجام گرفت. بر اساس نتایج این تحقیق: حدود ۲۷٪ مدیران در سطح ذهنیت فلسفی بالا، حدود ۳٪ در فاصله میانگین و سطح بالا، حدود

۲۰٪ در حد میانگین بودند و حدود ۵۰٪ پایین‌تر از میانگین نمره ذهنیت فلسفی را به دست آوردند. میزان ذهنیت فلسفی مدیران بر عملکرد آنان تأثیر دارد به طوری که هر چه سطح ذهنیت فلسفی مدیران بالاتر باشد در انجام وظایف مدیریتی تواناترند و بالعکس (۱۱).

در تحقیق زکی (۱۳۷۷) در قالب رساله دکتری تحت عنوان «بررسی ابعاد اجتماعی ذهنیت فلسفی مدیران»، نتایج پژوهش نشان داد که: حدود ۶۸٪ مدیران دارای سطح بالای ذهنیت فلسفی و ۳۲٪ دارای سطوح پایین ذهنیت فلسفی بوده‌اند. با تفکیک ابعاد سه گانه ذهنیت فلسفی مشخص شد که بیشترین مدیران در بردارنده بُعد جامعیت در رتبه اول و بُعد تعمق در رتبه دوم و بُعد انعطاف در رتبه سوم هستند. براساس متغیر سابقه مدیریت مشخص شده که تفاوت معنی‌داری میان میانگین سطوح ذهنیت، بُعد جامعیت و تعمق با سوابق مدیریتی وجود ندارد. در بُعد انعطاف‌پذیری تفاوت معنادار است با این بیان که مدیران با سوابق مدیریتی متفاوت سطوح متفاوتی از بُعد انعطاف را دارا هستند. در مجموع تفاوت معناداری میان کل ذهنیت فلسفی با توجه به سوابق مدیریتی وجود ندارد. (۱۲)

سرانجام نتایج تحقیق توسط مرتضایی مقدم (۱۳۸۰) تحت عنوان «تأثیر ذهن فلسفی مدیران بر شیوه تصمیم‌گیری آنان در دانشگاه فردوسی مشهد» نشان داد که: حدود ۳۲٪ مدیران دارای سطح ذهنیت فلسفی پایین، حدود ۲۹٪ دارای سطح ذهنیت فلسفی متوسط و حدود ۳۸٪ دارای سطوح بالای ذهنیت فلسفی هستند (۵). مدیرانی که از سبک مشارکتی استفاده می‌کنند در مقایسه با مدیرانی که از سبک آمرانه استفاده می‌کنند موفق‌ترند (۱۳).

### روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و محیط پژوهش از نوع مطالعات میدانی بود که در آن جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه معتبر و استاندارد که دارای روایی و پایایی مناسبی است استفاده به عمل آمد.

## جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه مورد نظر این پژوهش شامل تمام مدیران، سرپرستان، مربیان و تیم‌های مختلف ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور بود. برای تعیین نمونه آماری که بتواند معرف واقعی جامعه تحقیق باشد از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای یا تخصیص متناسب استفاده شد. برای برآورد حجم نمونه با توجه به اطلاعات اولیه در مورد پراکندگی ذهنیت فلسفی که برابر ۲۲/۵۱۱ است با اطمینان ۹۵٪ برای اینکه حداکثر تفاوت بین میانگین ذهنیت فلسفی واقعی در جامعه و برآورد آن از روی نمونه برابر ۱/۶۰۷ باشد، حجم نمونه لازم ۲۰۹ نفر تعیین شد که از این تعداد با تخصیص متناسب ۳۳ مدیر و ۱۷۶ مربی و سرپرست انتخاب شدند. کلیه مراحل برآورد حجم نمونه و حد تصمیم‌گیری (Precision) توسط نرم‌افزار آماری Pass 2002<sup>۱</sup> صورت گرفت.

## ابزار و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

با توجه به اهداف پژوهش راه جمع‌آوری اطلاعات استفاده از پرسشنامه‌ای استاندارد و معتبر بود تا بتوان ذهنیت فلسفی و ابعاد سه‌گانه آن را مطالعه کرد. برای این منظور از ۲ پرسشنامه مجزا و مستقل از هم استفاده به عمل آمد.

۱. پرسشنامه اطلاعات عمومی فرد: شامل مشخصات فردی و سوابق آن‌ها مشتمل بر جنسیت، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، محل تولد، سابقه.
۲. پرسشنامه ذهنیت فلسفی (PMQ) مشتمل بر ۶۰ سؤال یا گویه است که ۳ بُعد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری تفکر را دربرمی‌گیرد.

## یافته‌های آماری

### ۱. توصیف ویژگی‌های فردی

ابتدا به بررسی توصیفی ویژگی‌های فردی نمونه تحت بررسی می‌پردازیم. در جدول ۱ آماره‌های توصیفی میانگین، مد، انحراف معیار، مینیمم و ماکزیمم مربوط به سن و سابقه ورزشی ارائه شده است.



جدول ۱. آمارهای توصیفی سابقه و سن

آماره	مدیران		مریی و سرپرستان	
	سن (سال)	سابقه ورزشی (سال)	سن (سال)	سابقه ورزشی (سال)
میانگین	۳۳/۵۸	۱۳/۰۰	۳۴/۷۴	۱۷/۱۰
نما	۲۱	۲۰	۲۵	۱۰
انحراف معیار	۱۲/۷۱۴	۶/۰۷۷	۱۰/۰۹۲	۱۰/۳۳۵
مینیمم	۱۹	۴	۱۹	۱
ماکزیمم	۵۵	۲۲	۶۴	۴۵

در ادامه به بررسی دیگر ویژگی‌های فردی نمونه تحت بررسی می‌پردازیم. آماره‌های توصیفی میانه، مد، انحراف معیار، مینیمم و ماکزیمم برای ویژگی‌های فردی نشان داد که در مورد متغیر جنسیت در مدیران و مریی و سرپرستان بیشترین تعداد در هر دو گروه مرد و متاهل بودند و محل تولدشان شهرهای بزرگ بود که نشان‌دهنده طرح نمونه‌گیری مناسبی است که متناسب با تعداد افراد شرکت‌کننده شهرهای مختلف است. برای مقطع تحصیلات نیز بیشتر افراد هر دو گروه در مقطع کارشناسی در رشته‌های علوم انسانی فارغ‌التحصیل شده بودند.

## ۲. توصیف ذهنیت فلسفی و ابعاد آن در مدیران، مریی و سرپرستان

برای بررسی توصیفی ذهنیت فلسفی و ابعاد آن در نمونه تحت بررسی ابتدا شاخص‌های آماری میانگین، انحراف معیار، مینیمم و ماکزیمم ارائه و نتایج آن در جدول ۲ ثبت گردیده است.

جدول ۲ آماره‌های توصیفی ذهنیت فلسفی و ابعاد آن

آماره	ذهنیت فلسفی	جامعیت	تعمق	انعطاف پذیری تفکر	
انحراف معیار	۱۱/۳۴۸	۵/۶۷۲	۵/۲۷۰	۳/۵۷۵	
مینیمم	۱۴۰	۳۴	۴۶	۴۵	
ماکزیمم	۱۸۶	۶۳	۷۲	۵۸	
میانگین	۱۶۲/۰۶	۵۲/۸۱	۵۵/۹۹	۵۰/۲۷	مریی و سرپرستان
انحراف معیار	۲۵/۴۰۷	۸/۶۵۶	۸/۳۹۶	۹/۷۳۸	
مینیمم	۳۵	۱۴	۱۶	۲	
ماکزیمم	۲۰۱	۶۶	۷۰	۶۳	

با توجه به جدول فوق میانگین و انحراف معیار ذهنیت فلسفی مدیران به ترتیب برابر ۱۶۶/۵۰ و ۱۱/۳۴۸ و در مربی و سرپرستان برابر با ۱۶۲/۰۶ و ۲۵/۴۷ است. میانگین و انحراف معیار جامعیت در مدیران ۵۳/۷۸ و ۵/۶۷۲ و در مربی و سرپرستان ۵۲/۸۱ و ۸/۶۵۶ و شاخص‌های میانگین و انحراف معیار تعمق در مدیران به ترتیب ۵۷/۶۹ و ۵/۷۲۰ و در مربی و سرپرستان ۵۵/۹۹ و ۸/۳۹۶ است و در نهایت به طور متوسط میزان انعطاف‌پذیری تفکر مدیران برابر ۵۲/۱۶ و مربی و سرپرستان ۵۰/۲۷ و پراکندگی آن در مدیران ۳/۵۷۵ و در مربی و سرپرستان ۹/۷۳۸ می‌باشد.

از طرف دیگر برای بررسی بیشتر ذهنیت فلسفی، سطوح مختلف آن نیز مشخص شده و درصد کلیه مدیران و مربی و سرپرستان به تفکیک سطوح مختلف ذهنیت فلسفی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳ درصد سطوح ذهنیت فلسفی مدیران، مربیان و سرپرستان

درصد فراوانی نسبی		فراوانی		سطوح ذهنیت فلسفی
مربی و سرپرستان	مدیران	مربی و سرپرستان	مدیران	
۰/۶	—	۱	—	ذهنیت فلسفی مطلوب
۸۶/۱	۹۰/۶	۱۴۹	۲۹	دارای ذهنیت فلسفی
۱۰/۴	۹/۴	۱۸	۳	ذهنیت فلسفی کم
۲/۹	—	۵	—	نیازمند کارفکری
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۷۳	۳۲	کل

### تجزیه و تحلیل استنباطی ذهنیت فلسفی مدیران، مربی و سرپرستان

#### بررسی ارتباط بین ذهنیت فلسفی و ویژگی‌های فردی

ابتدا در این قسمت ارتباط بین ذهنیت فلسفی و ویژگی‌های فردی سن و سابقه ورزشی دو گروه مدیران و مربی و سرپرستان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شده که نتایج آن در جدول ۴ ثبت گردیده است.

با توجه به جدول فوق، ذهنیت فلسفی ارتباط معنی‌داری با سن و سابقه ورزشی در سطح ۵٪ خطا ندارد، ولی بین سن و سابقه ورزشی هر دو گروه ارتباط معنی‌دار و مستقیم در سطح ۵٪ وجود دارد. بنابراین با افزایش سن نمونه تحت بررسی سابقه ورزشی آن‌ها افزایش یافته که نشان‌دهنده ارتباط مستمر هر دو گروه با ورزش بوده است.

جدول ۴ آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین ذهنیت فلسفی، سن و سابقه ورزشی

سابقه ورزشی		سن		ذهنیت فلسفی		ضریب همبستگی	ذهنیت فلسفی
مدیران سربوستان مری و	مدیران سربوستان مری و	مدیران سربوستان مری و	مدیران سربوستان مری و	مدیران سربوستان مری و	مدیران سربوستان مری و		
-۰/۰۲۲	-۰/۲۱۳	-۰/۰۷۴	۰/۱۲۵	۱	۱	ضریب همبستگی	سن
۰/۷۸۶	۰/۴۲۸	۰/۳۴۱	۰/۵۰۳	-	-	P- مقدار	سن
۰/۸۴۱ <sup>*</sup>	۰/۵۸۷ <sup>*</sup>	۱	۱	-۰/۰۷۴	۰/۱۲۵	ضریب همبستگی	سن
۰/۰۰۱<	۰/۰۱۷	-	-	۰/۳۴۱	۰/۵۰۳	P- مقدار	سن

\* : به معنی ارتباط معنی دار در سطح  $\alpha < ۰/۰۵$

در ادامه ارتباط بین ذهنیت فلسفی مدیران و دیگر ویژگی‌های فردی آنان با استفاده از آزمون ضریب همبستگی کندال بررسی شده است که نتایج آن در جدول ۵ آمده است. با توجه به جدول فوق فقط بین ذهنیت فلسفی و مقطع تحصیلات ارتباط معنی دار قوی و مستقیم وجود دارد.

جدول ۵ آزمون ضریب همبستگی کندال برای بررسی ارتباط بین ذهنیت و دیگر ویژگی‌های فردی

رشته تحصیلی	مقطع تحصیلات	محل تولد	وضعیت تاهل	جنس	ذهنیت فلسفی	ضریب همبستگی	ذهنیت فلسفی
-۰/۱۱۹	۰/۴۴۲ <sup>**</sup>	۰/۱۹۴	۰/۰۴۶	-۰/۰۷۸	۱	ضریب همبستگی	ذهنیت فلسفی
۰/۴۷۲	۰/۰۰۵	۰/۱۸۳	۰/۷۶۷	۰/۶۰۷	.	P- مقدار	ذهنیت فلسفی
-۰/۰۵۸	-۰/۱۲۹	-۰/۲۷۵	-۰/۳۵۲	۱	-۰/۰۷۸	ضریب همبستگی	جنس
۰/۷۶۹	۰/۴۸۹	۰/۱۱۲	۰/۰۵۴	.	۰/۶۰۷	P- مقدار	جنس
	۰/۰۵۷	۰/۱۶۷	۱	-۰/۳۵۲	۰/۰۴۶	ضریب همبستگی	وضعیت تاهل
	۰/۷۶۶	۰/۳۴۲	.	۰/۰۵۴	۰/۷۶۷	P- مقدار	وضعیت تاهل
		۱	۰/۱۶۷	-۰/۲۷۵	۰/۱۹۴	ضریب همبستگی	محل تولد
		.	۳۴۲	۰/۱۱۲	۰/۱۸۳	P- مقدار	محل تولد
			۰/۰۵۷	-۰/۱۲۹	۰/۴۴۲ <sup>**</sup>	ضریب همبستگی	مقطع تحصیلات
			۰/۷۶۶	۰/۴۸۹	۰/۰۰۵	P- مقدار	مقطع تحصیلات
				-۰/۰۵۸	-۰/۱۱۹	ضریب همبستگی	رشته تحصیلی
				۰/۷۶۹	۰/۴۷۲	P- مقدار	رشته تحصیلی

\* : به معنی ارتباط معنی دار در سطح  $\alpha < ۰/۰۵$

\*\* : به معنی ارتباط معنی دار در سطح  $\alpha < ۰/۰۱$

بررسی میانگین ذهنیت فلسفی به تفکیک ویژگی‌های فردی نمونه تحت بررسی با استفاده از آزمون آماری استودنت میانگین ذهنیت فلسفی زن و مرد هر دو گروه با همدیگر مقایسه شده‌اند. به عبارت دیگر، ذهنیت فلسفی را به طور متوسط در سطوح مختلف جنسیت مقایسه کرده‌ایم. نتایج آزمون مذکور در جدول ۶ ثبت شده است.

جدول ۶ آزمون استودنت برای مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران، مربی و سرپرستان به

#### تفکیک جنسیت

آزمون t برای مقایسه میانگین‌ها			
آماره t	درجه آزادی	P-مقدار	
۰/۳۷۲	۳۰	۰/۷۱۳	مدیران
۰/۴۹۴	۵/۰۵۲	۰/۶۴۲	با فرض نابرابری واریانس‌ها
-۱/۰۳۵	۱۷۰	۰/۳۰۲	با فرض برابری واریانس‌ها
-۱/۰۹۴	۱۴۰/۶۰۹	۰/۲۷۶	مربی و سرپرستان
			با فرض نابرابری واریانس‌ها

با توجه به جدول فوق، چون  $p$  - مقدار مربوط به آزمون برابری واریانس‌های بزرگتر از  $\alpha = 5\%$  است، لذا فرضیه برابری واریانس‌ها در سطح  $5\%$  خطا رد نمی‌شود. پس باید برای آزمون برابری میانگین ذهنیت فلسفی مردان و زنان مدیران از  $P$  - مقدار ردیف اول مربوط به آزمون  $t$  استفاده نمود که چون  $p > 5\%$ ، بنابراین فرضیه برابری میانگین‌ها نیز در سطح  $\alpha = 5\%$  رد نمی‌شود لذا با اطمینان  $95\%$  میانگین ذهنیت فلسفی مدیران زن و مرد متفاوت نیست.

در مورد مربی و سرپرستان با توجه به جدول فوق چون  $\alpha = 5\% > p = 0/302$  - مقدار، بنابراین فرضیه برابری میانگین‌ها نیز در سطح  $\alpha = 5\%$  رد نمی‌شود لذا با اطمینان  $95\%$  میانگین ذهنیت فلسفی مربیان و سرپرستان زن و مرد متفاوت نیست.

برای مقایسه میانگین ذهنیت فلسفی افراد مجرد و متأهل نیز از آزمون آماری  $t$  استودنت استفاده می‌کنیم که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷ آزمون  $t$  برای مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران، مربی و سرپرستان به تفکیک وضعیت تأهل

آزمون $t$ برای مقایسه میانگین‌ها				
P-مقدار	درجه آزادی	آماره $t$		
۰/۷۰۵	۲۹	-۰/۳۸۳	بافرض برابری واریانس‌ها	مدیران
۰/۶۹۸	۱۹/۰۸۳	-۰/۳۹۴	با فرض نا برابری واریانس‌ها	
۰/۶۲۸	۱۶۷	۰/۴۸۶	بافرض برابری واریانس‌ها	مربی و سرپرستان
۰/۵۹۰	۱۵۹/۱۱۶	۰/۵۴۰	با فرض نا برابری واریانس‌ها	

با توجه به جدول فوق فرضیه برابری میانگین‌ها در سطح ۵٪ خطا رد نمی‌شود یعنی با اطمینان ۹۵٪ میانگین ذهنیت فلسفی مدیران متأهل و مجرد متفاوت نیست. در مورد مربی و سرپرستان نیز با توجه به جدول بالا با اطمینان ۹۵٪ میانگین ذهنیت فلسفی مربیان و سرپرستان متأهل و مجرد متفاوت نیست. از طرفی برای مقایسه میانگین ذهنیت فلسفی نمونه تحت بررسی در سطوح مختلف شهرهای محل تولدشان از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده کردیم. در ادامه نیز برای بررسی دقیق‌تر و بیشتر ذهنیت فلسفی آن‌ها به تفکیک محل تولد از آزمون چند دامنه‌ای دانکن در مقایسه‌های چندگانه استفاده کردیم. در جدول ۸ آماره  $p$ - مقدار مربوط به جدول آنالیز واریانس بررسی ذهنیت فلسفی به تفکیک محل تولد داده شده است.

جدول ۸ آماره  $p, f$  - مقدار جدول آنالیز واریانس مقایسه ذهنیت فلسفی به تفکیک محل تولد مدیران، مربی و سرپرستان

P-مقدار	آماره $f$	
۰/۴۶۹	۰/۷۷۸	مدیران
۰/۵۵۰	۰/۶۰۰	مربی و سرپرستان

با توجه به  $p$ - مقدار جدول فوق با اطمینان ۹۵٪ میانگین ذهنیت فلسفی مدیران متولد شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک متفاوت نیست. اما به دلیل بررسی بیشتر دو به دوی

جدول ۹ آزمون چنددامنه ای دانکن برای مقایسه میانگین ذهنیت فلسفی مدیران به تفکیک شهرهای محل تولد

محل تولد		تعداد		زیر گروه ها در سطح $\alpha = 5\%$	
		مربی و سرپرستان	مدیران	مربی و سرپرستان	مدیران
دانکن	بزرگ	۱۲	۲۰	۱۶۰/۲۹	۱۶۴/۷۰
	متوسط	۱۳	۸	۱۶۴/۵۴	۱۶۸/۳۸
	کوچک	۲۶	۴	۱۶۵/۹۶	۱۷۱/۷۵
-P مقدار		-	-	۰/۴۷۹	۰/۲۸۴

میانگین ذهنیت فلسفی مدیران متولد شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک از آزمون‌های مقایسه‌های چندگانه استفاده می‌کنیم که خروجی مربوط به آزمون چند دامنه‌ای دانکن در جدول ۹ ارائه شده است.

با توجه به  $p$ - مقدار ارائه شده همچنین ارائه یک زیر گروه در سطح  $5\%$  خطا توسط آزمون دانکن، میانگین ذهنیت فلسفی مدیران متولد شده در شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ با اطمینان  $95\%$  با همدیگر تفاوت معنی دار ندارد.

با توجه به  $p$ - مقدار جدول فوق چون  $\alpha = 5\% > p$ - مقدار، بنابراین فرضیه برابری میانگین ذهنیت فلسفی مدیران، مربی و سرپرستان متولد شده در شهرهای مختلف در سطح  $5\%$  خطا رد نمی‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان  $95\%$  میانگین ذهنیت فلسفی مربیان و سرپرستان متولد شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک تفاوت نیست.

### آزمون فرضیه‌ها

- بین ویژگی‌های فردی عوامل اجرایی (مدیران، مربیان و سرپرستان) و ابعاد ذهنیت فلسفی آنها (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری تفکر) رابطه معنی داری وجود ندارد.
- برای آزمون فرضیه فوق از روش‌های آزمون معنی داری ضرایب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و کندال تاو و مقایسه چهار عامل ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری

تفکر در سطوح مختلف ویژگی‌های فردی و غیره استفاده شده است که در قسمت‌های قبل به تفصیل توضیح داده شد.

• بین ابعاد ذهنیت فلسفی نمونه تحت بررسی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. برای آزمون این فرضیه، سه بُعد ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری تفکر) را با هم در بین عوامل اجرایی با آنالیز طرح اندازه‌های مکرر مقایسه می‌کنیم.

جدول ۱۰ جدول آماره‌های ساده در مورد سه بُعد ذهنیت فلسفی در بین نمونه تحت بررسی

ابعاد ذهنیت فلسفی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
جامعیت	۲۰۵	۵۲/۹۶	۸/۲۵۸
تعمق	۲۰۵	۵۶/۲۵	۸/۰۰۳
انعطاف پذیری تفکر	۲۰۵	۵۰/۵۶	۹/۰۷۶

جدول ۱۰ آماره‌های ساده تعداد، میانگین و انحراف معیار را در مورد سه بُعد ذهنیت فلسفی در بین عوامل اجرایی نشان می‌دهد.

جدول فوق نشان می‌دهد که به طور متوسط تعمق نمونه تحت بررسی از دو بُعد جامعیت و انعطاف پذیری تفکر آنان بیشتر است. از نظر پراکندگی، انحراف معیار جامعیت نمونه تحت بررسی بیش از سایر ابعاد است. بعد از تعمق بیشترین میزان از جهت میانگین متعلق به جامعیت نمونه تحت بررسی است. کمترین پراکندگی نیز متعلق به تعمق است.

p- مقدار جدول آنالیز طرح اندازه‌های مکرر برای مقایسه سه بُعد با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد (p-مقدار کمتر از ۰/۰۰۱). بنابراین با استفاده از ملاک کمترین تفاوت معنی‌دار (آزمون LSD) به مقایسه دو به دو آنها می‌پردازیم که نتایج در جدول ۱۱ منعکس است.

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که بین هر سه بُعد ذهنیت فلسفی نمونه تحت بررسی توسط آزمون مقایسه‌های چندگانه نیز با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معنی‌داری از نظر آماری وجود دارد که تفاوت‌های معنی‌دار در ستون سوم جدول با (\*) مشخص شده است.

جدول ۱۱ نتایج مقایسه دو به دو سه بعد ذهنیت فلسفی نمونه تحت بررسی

عامل (I)	عامل (J)	اختلاف میانگین (J-I)	خطای معیار	معناداری	فاصله اطمینان برای اختلافات (۹۵٪)	
					حد بالا	حد پایین
۱	۲	۳/۲۹۳ *	۰.۳۹۲	۰.۰۰۰	۴/۰۶۶	۲/۵۱۹
	۳	۲/۴۰۰ *	۰.۴۰۰	۰.۰۰۰	۱/۶۱۱	۳/۱۸۹
۲	۱	۳/۲۹۳ *	۰.۳۹۲	۰.۰۰۰	۲/۵۱۹	۴/۰۶۶
	۳	۵/۶۹۳ *	۰.۴۲۸	۰.۰۰۰	۴/۸۴۸	۶/۵۳۷
۳	۱	۲/۴۰۰ *	۰.۴۰۰	۰.۰۰۰	۳/۱۸۹	۱/۶۱۱
	۲	۵/۶۹۳ *	۰.۴۲۸	۰.۰۰۰	۶/۵۳۷	۴/۸۴۸

۱: جامعیت ۲: تعمق ۳: انعطاف پذیری تفکر

### بحث و نتیجه گیری

در تحلیل اهداف اختصاصی این پژوهش و به منظور بررسی اولین هدف در توصیف ویژگی‌های فردی نمونه تحت بررسی می‌توان اذعان داشت که میانگین سنی مدیران ۳۳/۵۸ (SD = ± ۱۲/۷۱۴) سال و در مریان و سرپرستان معیار سن ۳۴/۷۴ سال (SD = ± ۱۰/۰۹) بود که در مجموع چنین میانگین سنی حکایت از جوان بودن نمونه تحت بررسی دارد که این موضوع هر چند در نگاه اول وضعیت سنی مناسبی را نشان می‌دهد، ولی در خصوص سرپرستان در سرپرستی تیم‌های ورزشی می‌تواند تا حدی مشکل آفرین باشد، زیرا در مقام یک سرپرست، فرد می‌بایستی از تجربه لازم برای سرپرستی تیم خود به ویژه در موارد بحرانی برخوردار باشد. سابقه ورزشی و اجرایی دانشجویان، مدیران، مریان و سرپرستان نشان دهنده بالا بودن تجربه ورزشی و کاری آنان بود. این موضوع را می‌توان به ناپایدار بودن دوره دانشجویی نسبت داد با این حال موفقیت در برگزاری مسابقات قهرمانی خصوصاً رویدادهای بزرگ ورزشی دانشجویی نظیر المپیادها مرهون توان بالای کادر اجرایی و برخورداری آنان از سطح بالایی از دانش و تجربه کاری و بالاخص تجربه قبلی آن‌ها در صحنه‌های مختلف ورزشی است.



۸۷/۵ درصد مدیران و ۶۴/۲ درصد مربی و سرپرستان مرد بودند که از میان آنها ۶۷/۷ درصد مدیران و ۶۴/۲ درصد مربی و سرپرستان متأهل و بر اساس محل تولدشان، مدیران به ترتیب ۶۲/۵، ۲۵ و ۱۲/۵ درصد و مربی و سرپرستان به ترتیب ۷۶/۱، ۱۶ و ۸ درصد در شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک قرار داشتند. ۷۴/۱ درصد مدیران و ۷۵/۹ درصد مربی و سرپرستان دارای سطح تحصیلی کاردانی و کارشناسی و بقیه دارای مدارک بالاتری بودند. در مورد رشته تحصیلی ۵۷/۲ درصد دانشجویان در رشته‌های علوم انسانی، ۱۷/۸ درصد در علوم پایه و ۱۹/۶ و ۵/۴ درصد آن‌ها در رشته‌های مهندسی و سایر رشته‌ها مشغول به تحصیل بودند. مدیران ۶۴ درصد و مربی و سرپرستان ۷۱/۴ درصد فارغ‌التحصیل رشته‌های علوم انسانی بودند. وجود چنین آمار و ارقامی حکایت از تغییر نگرش مدیریت‌ها به سوی برخورداری از مدیران و عوامل اجرایی با هزینه‌های علوم انسانی دارد. هر چند در سازمان‌ها داشتن مدیران محاسب یک مزیت به شمار می‌رود با این حال در دنیای مدیریت امروز توجه به عوامل انسانی و آشنایی با رفتار سازمانی یک ضرورت انکارناپذیر و به نوعی رمز موفقیت سازمان‌های آموزشی خصوصاً دانشگاه‌هاست.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها، به منظور دستیابی به هدف دوم، به تعیین میزان ذهنیت فلسفی و ابعاد آن در کل نمونه تحت بررسی پرداخته شد. نتایج نشان داد در مجموع میانگین ذهنیت فلسفی کلیه افراد شرکت‌کننده در تحقیق ۱۶۳/۲۶ ( $SD = \pm ۲۲/۵۱$ ) بود. با توجه به اینکه حداکثر نمره ممکن در پرسشنامه ذهنیت فلسفی ۲۴۰ است. از این رو این میانگین در کل نشان‌دهنده حد متوسطی از برخورداری نمونه تحت بررسی از ذهنیت فلسفی است. این یافته با نتایج زکی ۱۳۷۷، هاشمی ۱۳۷۴، خرقانیان ۱۳۷۲ مطابقت داشت و حکایت از آن دارد که آن‌ها از ذهنیت فلسفی خوب و مطلوبی آن چنان که از قشر دانشگاهی انتظار می‌رود نیستند و در تحلیلی کلی در این ابراز اندازه‌گیری تنها حداقلی از این ذهنیت را دارا هستند و در واقع ۶۸/۷ درصد آنان فقط دارای ذهنیت فلسفی بودند و بقیه یا دارای ذهنیت فلسفی کمی بودند یا نیازمند کار فکری هستند و این نشان می‌دهد که محدوده دید و ادراک این عده بسیار محدود است. آن‌ها فقط به زمان حال خود توجه دارند و از به وجود آوردن شرایط نو و جدید شدیداً هراس دارند. از آنجا که ذهنیت

فلسفی، مدیران را قادر می‌سازد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کل مؤلفه‌های سازمان کمترین خطا را مرتکب شوند و ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های سازمان را بهتر درک کنند و مدیران که دارای ذهنی فلسفی هستند در قضاوت‌ها و ارزیابی اعمال، رفتار، گفته‌ها و نظریات علمی، اقدامات مدیریتی و کار همکاران خود به طور مستقل و به دور از ذهنیت خود قضاوت کنند. همچنین همان‌طور که اسمیت طراح و نظریه‌پرداز اصلی ذهنیت فلسفی نیز معتقد است کسب چنین امتیازی نشان می‌دهد افراد فقط در بعضی از موارد دارای ذهنیت فلسفی هستند. در واقع این موضوع نمی‌تواند چندان باعث ناامیدی آن‌ها در استفاده از ذهنیت فلسفی در کارها و تصمیم‌گیری‌ها شود، بلکه به سرعت می‌توانند از مزایای برخوردار از چنین ذهنیتی استفاده کنند. با کسب چنین نمره‌ای می‌توان اظهار نمود که کل‌گرایی افراد گاهی اوقات خدشه‌دار می‌شود و گاهی نیز مسائل روزمره آن‌ها را از دوراندیشی بازمی‌دارد و تا حدی هم مایل نیستند که نوآوری داشته باشند. آن‌ها امور پراکنده را به خوبی در یک زمینه وسیع قرار می‌دهند و از سؤال کردن دربارهٔ امور روشن لذت می‌برند و گرایش آن‌ها اغلب به برنامه‌ریزی و نظم در امور می‌باشد. گاهی از اوقات به جزئیات چنان تأکید می‌کنند که موانع اصلی را فراموش می‌کنند در بیشتر موقعیت‌های غیر منتظره رفتار مناسب از خود نشان می‌دهند. نظرات دیگران از خود افراد برای آنان مهم‌تر جلوه می‌کند. در کنار امور جاری زندگی و کار به مسائل اجتماعی و انسانی نیز علاقه‌مندند و قضاوت‌های نسبی را بیشتر کارساز می‌دانند. در بررسی ابعاد سه گانه ذهنیت فلسفی کلیه شرکت‌کنندگان در تحقیق میانگین بُعد جامعیت برابر با  $52/89$  ( $SD = \pm 5/69$ )، بُعد تعمق  $56/24$  ( $SD = \pm 7/99$ ) و بُعد انعطاف‌پذیری برابر با  $51/41$  ( $SD = \pm 7/78$ ) بود. با توجه به حداکثر امتیاز ممکن در این سه بُعد که برابر با ۸۰ است. می‌توان گفت که افراد نمونه تحت بررسی از نظر بُعد تعمق دارای میانگین بهتری نسبت به ابعاد دیگر ذهنیت فلسفی بودند. این یافته مغایر نتایج زکی ۱۳۷۷ بود و در واقع در آن‌ها چهار نشانهٔ زیر سؤال بردن آنچه مسلم و بدیهی تلقی می‌شود، کشف امور اساسی و بیان آن‌ها در هر موقعیت، توجه به اشارات امور مربوط به جنبه‌های اساسی در هر موقعیت و قضاوت و حکم را به روش فرضیه‌ای قیاسی قرارداد در این افراد بیشتر از نشانه‌های دیگر دو بُعد دیگر وجود دارد. با

توجه به تفکیک جامعه آماری نتایج همچنین نشان داد که میانگین ذهنیت فلسفی مدیران ۱۶۶/۵ ( $SD = \pm ۱۱/۳۵$ ) و مربی و سرپرستان ۱۶۲/۵ ( $SD = \pm ۲۵/۴۱$ ) است که مقایسه این دو گروه مبین بهتر بودن وضعیت ذهنیت فلسفی مدیران می‌باشد. هرچند با توجه به حداکثر امتیاز ممکن که می‌توانستند کسب کنند این میانگین خود در حد متوسطی است و تا برخورداری از ذهنیت فلسفی خوب و مطلوب فاصله نسبتاً زیادی وجود دارد. در بررسی بیشتر اختلاف بین میانگین‌های این دو گروه با استفاده از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس یک طرفه نشان داده شد که بین میانگین‌های ذهنیت فلسفی این دو گروه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین برای مقایسه بهتر دویه دوی این میانگین در این دو گروه از مقایسه‌های چندگانه استفاده به عمل آمد که در سطح اطمینان ۹۵٪ نیز اختلاف دویه دوی میانگین‌ها نیز معنی‌دار نبود و می‌توان چنین نتیجه گرفت که به طور متوسط ذهنیت فلسفی مدیران و مربی و سرپرستان نمونه تحت بررسی تقریباً یکسان بوده است. چنین یافته‌هایی را می‌توان به فضای فکری دانشگاهیان منتسب کرد که به دلیل ویژگی علمی بودن دانشگاه‌ها تفاوت معنی‌دار و چشمگیری در دو گروه مدیران و مربی و سرپرستان مشاهده نگردید. در بررسی ابعاد ذهنیت فلسفی به تفکیک عوامل انسانی این مطالعه آشکار ساخت که در بُعد جامعیت فکری میانگین امتیازات حاصل از پرسشنامه مدیران برابر با ۵۳/۷۸ ( $SD = \pm ۲۲/۵۱$ ) و مربی و سرپرست برابر با ۵۲/۸۱ ( $SD = \pm ۸/۶۶$ ) بود که جهت مقایسه این میانگین‌ها از آنالیز واریانس یک طرفه و مقایسه‌های چندگانه و آزمون‌های توکی، شفه و LSD و دانکن بهره گرفته شد و با توجه به  $P$ - مقدار ارائه شده در هر کدام از این آزمون‌ها با اطمینان ۹۵٪ میانگین بعد جامعیت این دو گروه متفاوت نبود. در واقع هر دو گروه از سطح برابری از جامعیت فکری برخوردارند. به منظور تخمین اثر متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش بر بُعد جامعیت از طریق آزمون تحلیل واریانس از بین متغیرهای نه گانه وضعیت تأهل و محل تولد (برحسب شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک) بر ذهنیت فلسفی کلیه عوامل انسانی شرکت‌کننده در تحقیق در سطح ۵٪ معنی‌دار دیده شد. این یافته مغایر با نتایج زکی ۱۳۷۷ بود و در واقع نتایج نشان می‌داد که افراد متأهل و متولدان شهرهای بزرگ به نحو بارزتری نسبت به دیگر هم‌تایان خود از جامعیت فکری بیشتری از جمله در نگرستن به موارد خاص در

ارتباط با زمینه‌های وسیع‌تر، ارتباط دادن مسائل آنی به هدف‌های دراز مدت و به کاربردن قوه تعمیم و بالاخره شکیبایی در تفکرات عمیق نظری برخوردار بودند. در بُعد تعمق نیز میانگین امتیازات در مدیران برابر با  $57/69$  ( $SD = \pm 5/27$ ) و مربی و سرپرستان برابر با  $55/99$  ( $SD = \pm 7/05$ ) بود که در مقایسه تحلیلی آن‌ها نتایج نشان داد تفاوت معنی‌داری در سطح ۵٪ از نظر این بُعد در این دو گروه مشاهده نمی‌شود و در تخمین اثر متغیرهای جمعیت شناختی بر این بُعد نیز فقط سن بر این بُعد اثرگذار بوده است به عبارتی دیگر از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی به طور متوسط میزان تعمق در گروه‌های سنی مختلف به طور معنی‌داری متفاوت بود و بقیه اثرهای اصلی و متقابل عامل‌های جنسیت، وضعیت تأهل، محل تولد و سطح تحصیلات و غیره بُعد تعمق لااقل در سطح ۵٪ تأثیرگذار نبوده است و این حکایت از آن دارد که با افزایش سن و بهره‌گیری از تجربه و خردمندی بیشتر، افراد با ژرفای بیشتری به عمق مسائل و موضوعات می‌پردازند و با زیرسؤال بردن امور مسلم و بدیهی و کشف امور اساسی و معیارهای آن و قضاوت به گونه‌ای متفاوت به تحلیل و تعمیم امور می‌پردازند. در بُعد انعطاف‌پذیری تفکر نیز نتایج نشان دادند که میانگین امتیازات در مدیران معادل  $52/16$  ( $SD = \pm 3/58$ ) و مربی و سرپرستان معادل  $50/27$  ( $SD = \pm 9/74$ ) بود. در بررسی‌های بیشتر از طریق آزمون‌های آماری پیشرفته معلوم گردید میانگین بُعد انعطاف‌پذیری فکر هر دو گروه در سطح یکسانی بوده و تفاوت معنی‌داری ملاحظه نشد. در این بُعد هیچکدام از ویژگی‌های فردی نمونه تحت بررسی بر انعطاف‌پذیری تفکر آنان تأثیرگذار نبوده است.

در بررسی اهداف دیگر این تحقیق به تعیین همبستگی بین ابعاد ذهنیت فلسفی نمونه تحت بررسی پرداخته شد. در بررسی ارتباط خطی میان ذهنیت فلسفی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و به منظور آزمون این فرضیه با توجه به وجود مقیاس‌های متفاوت این متغیرها از روش‌های همبستگی مختلف استفاده به عمل آمد. به عنوان نمونه برای آزمون رابطه بین سن، سابقه ورزشی و سابقه اجرایی و غیره با ذهنیت فلسفی که مقیاس هر دو متغیر فاصله‌ای است از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد و مشخص شد فقط این رابطه در گروه مدیران بین ذهنیت فلسفی و مقطع تحصیلات معنی‌دار به دست آمد

( $F = 0.44$   $P < 0.05$ ). این یافته مغایر با نتایج زکی ۱۳۷۷ بود و در واقع معلوم گردید هر چقدر سطح تحصیلات مدیران افزایش یابد به همان نسبت بر میزان ذهنیت فلسفی آن‌ها افزوده می‌گردد. از این رو، لزوم مدیران تحصیل کرده در پست‌های مدیریت به خصوص مدیریت ورزشی آشکار می‌گردد. چنین مدیرانی علاوه بر برخورداری از دانش و معلومات روز از ذهنیت فلسفی و ابعاد مختلف آن نیز بهره‌مند هستند. در میان ابعاد سه گانه ذهنیت فلسفی این رابطه در دو بُعد جامعیت و تعمق همچنان معنی‌دار و مستقیم بود، ولی در بُعد انعطاف‌پذیری به رغم وجود رابطه ( $F = 0.27$ ) معنی‌دار نبود. از طرفی در گروه مربیان و سرپرستان بین ذهنیت فلسفی و متغیرهای جمعیت شناختی فقط در متغیر سطح تحصیلات رابطه معنی‌دار و خطی مشاهده شد ( $F = 0.43$   $P < 0.16$ ) که مجدداً تأکیدی بر اهمیت تحصیلات و تخصص در این گروه بود. در بررسی داده‌های موجود برای ارائه مدل رگرسیونی و پیش‌بینی ذهنیت فلسفی از روی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه تحت بررسی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش پس‌رو به برازش مدل اقدام شد که با اطمینان ۹۵٪ معلوم گردید متغیرهای سن، تحصیلات، سابقه ورزشی و رشته تحصیلی می‌توانند به عنوان متغیرهای پیش‌بینی برای متغیر وابسته‌ای مانند ذهنیت فلسفی محسوب شوند.

### کتابنامه

۱. نیکوآقبال علی‌اکبر (۱۳۶۹) مشکلات مدیریت و تصمیم‌گیری عقلانی، تهران، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی.
۲. نعمه شیخ‌عبداله (۱۳۷۴) فلاسفه شیعه، ترجمه جعفر غضبان، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. اسمیت ج فیلیپ، هولفیش گوردون (۱۳۷۱) تفکر منطقی، روش تعلیم و تربیت، ترجمه علی شریعتمداری، تهران، سمت، چاپ سوم.
۴. سروش عبدالکریم (۱۳۷۵) علم چیست، فلسفه چیست؟ تهران، چاپ حکمت.
۵. مرتضایی مقدم مهوش (۱۳۸۰) تأثیر ذهن فلسفی مدیران بر شیوه تصمیم‌گیری آنان در دانشگاه فردوسی مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. ابراهیم‌زاده عیسی (۱۳۷۱) فلسفه تربیت، فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات پیام نور، چاپ چهارم.

۷. داوری رضا (۱۳۵۹) فلسفه چیست، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۸. سلطانی ایرج (خرداد ۱۳۷۵) "اندازه‌گیری میزان ذهنیت فلسفی مدیران"، فصلنامه تدبیر، شماره ۶۲.
۹. اسمیت جی فیلیپ (۱۳۷۸) ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی، ترجمه محمدرضا بهرنگی، چاپ سوم، تهران، انتشارات کمال تربیت.
۱۰. خرقانیان مجید (۱۳۷۲) بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی مدارس عادی پسرانه منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران با روحیه معلمان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۱۱. هاشمی اعظم (۱۳۷۴) بررسی تأثیر ابعاد ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی بر انجام وظایف مدیریتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
۱۲. زکی محمد علی (پاییز ۱۳۷۷) "بررسی ابعاد اجتماعی ذهنیت مدیران"، نشریه دانش مدیریت، سال یازدهم، شماره ۴۱ و ۴۲.
۱۳. شریعتمداری علی (۱۳۷۳) فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پڙوڊ شڪاوه علوم انساني ومطالعات فرهنجی  
پرتال جامع علوم انسانی